

Aller Anfang ist schwer	همه شروع ها دشوار است
Am Beginn ist vieles nicht so einfach	در ابتدا، همه چیز به این راحتی نیست
Das lockt keinen Hund hinter dem Ofen hervor	این یک سگ را از پشت اجاق گاز بیرون نمی کشد
Das ist allgemein bekannt, uninteressant, nichts Neues	این کاملاً شناخته شده است، جالب نیست، چیز جدیدی نیست
Zu viele Köche verderben den Brei	با دو تا آشپز آش یا شور میشه یا بینمک
Wenn sich zu viele Leute in eine Arbeit einmischen, dann mißlingt das oft.	وقتی افراد زیادی درگیر یک کار می شوند، اغلب با شکست مواجه می شود
Das ist doch mit Händen zu greifen. Das sieht doch ein Blinder.	این چیزی است که می توانید به آن دست پیدا کنید. یک نابینا می تواند آن را ببیند
Das ist offensichtlich, völlig klar, für jeden sofort zu erkennen.	واضح است، کاملاً واضح است. بلافاصله برای همه قابل تشخیص است
Jemand hat einen hellen Kopf	کسی ذهن روشنی دارد
Jemand hat einen klaren Verstand, hat gute Ideen, versteht vieles sehr gut	یک نفر ذهن روشنی دارد ایده های خوبی دارد، خیلی چیزها را به خوبی درک می کند
Da geht mir ein Licht auf.	سپس من نور را می بینم
Das ist mir jetzt klar, einsichtig, verständlich	که اکنون برای من روشن است، روشنگر، قابل درک است
Nur nicht hudeln! Nua ned hudln! [Mundart, Umgangssprache]	فقط جمع نشو [گوش، محاوره] "hudln" نه
Immer schön langsam, mit Bedacht, etwas nicht überstürzen, zu schnell handeln	همیشه خوب و آهسته، با دقت، در چیزی عجله نکنید، خیلی سریع عمل کنید
Etwas ohne Wenn und Aber machen	کاری را بدون اما و اگر انجام دهید
Keine Einwände haben, etwas ohne Vorbehalt, Kritik machen	هیچ اعتراضی ندارند چیزی بدون قید و شرط، انتقاد کنید
Das heißt auf gut Deutschیعنی به آلمانی خوب
Etwas klar sagen, im Klartext ausdrücken, nicht umständlich um etwas herumreden	برای گفتن چیزی واضح، بیان آن به زبان ساده، در مورد چیزی دلگیر نباش



Höre dir den Text an (MP3)
به متن گوش کن



این صفحه / diese Seite



zur Kapitelseite Kurze Texte
به متن های کوتاه صفحه فصل

der Anfang der Beginn	آغاز آغاز
etwas Neues nichts Neues	یک چیز جدید چیز جدیدی نیست
etwas gelingt etwas mißlingt	چیزی موفق می شود چیزی شکست می خورد
etwas ist offensichtlich offen einsehbar die Einsicht	چیزی آشکار است آشکارا قابل مشاهده است بینش
hudeln hetzen schusseln schlampig arbeiten	جمع شدن هجوم بردن متلاطم شلخته کار کنید
der Einwand der Vorbehalt die Kritik	اعتراض اخطار منتقد
der Klartext etwas klar ausdrücken	متن ساده چیزی را واضح بیان کند
umständlich sein etwas unnötig kompliziert machen	بی دست و پا باشد چیزی را بی جهت پیچیده کنید
herumreden etwas nicht direkt sagen (wollen) das Gerede	در اطراف صحبت کنید نمی خواهم مستقیم چیزی بگویم صحبت



Höre dir den Text an (MP3)
به متن گوش کن



diese Seite / این صفحه



zur Kapitelseite Kurze Texte
به متن های کوتاه صفحه فصل